

اوپرا و اپرت

« پروفیل »

چندبست سخن از بنای باشکوهی بیبناست که سرانجام مشکل
اوپرا را حل خواهد کرد .
این بنا که بدست اداره هنرهای زیبا بنیان گرفته است بطور
یقین بر تارک آرزوهای مردم هنرشناس تلؤلو خواهد داشت .
این بنا که بظاهر شکوهمند خواهد بود، امیدمیرود که با کوشش
نسل معاصر از لحاظ محتوی نیز غنی و عمیق شود تا در شأن و شایستگی
پایتخت کشور شعر و ادب باشد .
بد نیست بسبب تجدید بنای اوپرا، ازین هنر بزرگ و ارجمند،
سخنی چند بیان آوریم .

اوپرا یعنی چه ؟

اوپرا واژه لاتینی است که مفهوم نمایش با آواز را میدهد، این واژه بسبب
کثرت استعمال و علل تاریخی بین المللی شده و در تمام زبانها جاریست؛ پس هر نمایشی
را که با آواز و به همراه ارکستر اجرا کنند، اوپرا خوانند . مبتکر اوپرا رومیها و

یونانیها بوده‌اند و هنوز هم خرابه های اوپراهای بزرگ یونان که مربوط به چندین قرن قبل از میلاد مسیح است، از میان آثار تاریخی یونان دیده میشود. اوپرا از حیث ساختمان، اشعار و موضوع و ترکیب آواز به چندین شعبه مشتق میشود:

۱ - **اوپراهای جدی یا بزرگ** که بآنها اوپرا سربا «Opera Seria» میگویند، اینگونه اوپراها مأخوذ از افسانه‌های باستانی و تراژدی‌های تاریخی است و با اصطلاح در تصنیف آن از موضوعات اخیرالذکر برداشت میشود، البته این دسته از اوپراها بسیار باشکوه و کلیه قسمت‌هایش با آواز همراه است.

۲ - **اوپرا بوفّا** «Opera Buffa» که قسمتهای مختلفش همراه با آهنگهای سبک و تفریحی است، اصولاً اوپرا بوفّا را میتوان اوپرائی دانست که سراسرش مضحک و کمدی باشد. در فارسی میتوانیم باین دسته از اوپراها «اوپرای بوف» بگوئیم.

۳ - **اوپرا کمیک** «Opera Comique» اوپرا کمیک خلاف اسمی که دارد کاملاً تفریحی و خنده دار نیست، بلکه موضوعات آن از روی حکایات واقعی و جدی زندگی و مسائلی نظیر عشق، حسد، شیطنت، فجایع و عواطف انسانی گرفته میشود. بطور خلاصه در اینگونه اوپراها منبع الهام برای مصنف کلیه حوادث و اتفاقات زندگیست. گاه ممکنست قطعات نیمه تفریحی نیز در اوپرا کمیک بعنوان چاشنی بکار برد، ولی بعید نیست که سراسر یک اوپرا کمیک مبین یک فاجعه عشقی باشد در اینصورت هرگز از خنده و تفریح در آن اثری نیست. مانند اوپرای کارمن که اوپرا کمیک بشمار میرود ولی از حیث موضوع درام کاملی است.

۴ - **اوپرای مذهبی یا اوراتوریو** «Oratorio» همانطور که از نام این اوپرا پیداست، داستانهای اوراتوریو مأخوذ از منابع و متون مذهبی است باین معنی که از روی روایات مذهبی اشعار و موسیقی اوپرا تصنیف میشود. در انواع دیگر اوپرا برای بازیکنان لباس و دکور لازم است، همچنین خوانندگان با ژست، میمیک و حرکات تاترال مبین حالات و احساسات پرسنازهای اوپرا میشوند، در صورتیکه در «اوراتوریو» با اوپرای مذهبی «کلیسا» خوانندگان و شرکت کنندگان حرکات تاترال ندارند و بیشتر در یکجا میایستند. بنابراین وجه تمایز اوپرای کلیسایی یا مذهبی با سایر انواع اوپراها کاملاً روشنست. استثنائاً ممکن است بعضی اوراتوریوها نیز جنبه مذهبی نداشته باشند مانند اوراتوریوی هایدن که «چهار فصل» نامدارد.

۵ - **اوپرت یا اوپرای کوچک** - در حقیقت معنای لغوی اوپرت نیز اوپرای کوچک است، زیرا فرانسویها یکی از ادات تصغیر «ات Ette» زبان خود را بکلمه اوپرا تلقین کرده‌اند، اوپرت همانگونه که از اسمش پیداست، اوپراهای

کوچکی را که با آهنگهای عامیانه و تفریحی تصنیف شده باشد میگویند. بطور کلی اوپرت را میتوان اوپرا بوف سبک دانست.

متن اوپرا اکثراً بصورت شعر نوشته میشود و بازیکنان بهمراه ارکستر مصاریح اشعار و بعضاً جملاتی را که در آن گنجانیده شده با آواز میخوانند. گفته‌های بازیکنان که متن اوپراست بصورت آواز رد و بدل میشود، ارکستری که اوپرا را همراهی میکند در حقیقت بزبان موسیقی مبنی همان حالات بازیکنان و روح داستان اوپراست. بمبارات ساده‌تر نه تنها حالات روحی بازیکنان بلکه اصل داستان اوپرا را نیز توجیه میکند و باین ترتیب هم آهنگی که جالب و دلپذیری بوجود میآید. در بعضی اوپراها برای تنوع و خروج از یک نواختی گاهگاه موسیقی ارکستر قطع میشود و بازیکنان حرکات خود را با مطالعه عادی توأم میسازند، در اینموقع اوپرا تقریباً حالت یک تأثر ساده را بخود میگیرد و بعد از زمان کوتاهی دوباره بوضع نخستین برمیکرد. بطور کلی هر اوپرائی از لحاظ تکنیک باید با اوورتور Overture یا پرلود Prelude که در واقع مقدمه اوپرا محسوب میگردد شروع شود، ارکستر در این قسمت دل‌مهمی دارد، معمولاً صحنه خالی از بازیکنان است و ارکستر مینوازد، این مقدمه تقریباً موضوع نمایش و اوپرا را توصیف میکند و گسائیکه با موسیقی و اوپرا آشنائی داشته باشند، از شنیدن مقدمه یا پرلود هر اوپرا میتوانند موضوع و کیفیت آنرا تشخیص دهند.

بطور تقریب در هر اوپرا دو نوع آواز خواننده میشود، اول آوازهای آریا



خرابه‌های اوپرا و تاتر « دیونی سوس » در آتن

که قسمتهای اصلی و ملودیک Melodique او پر است و خواننده در این قسمتها میتواند با آرایشهای آوازی قدرت و وسعت حنجره و تبحر و تخصص خود را ابراز نماید. تقریباً می توان گفت که آوازهای «آریا» در اوپرا مانند «تحریر و اوج گرفتن» در آوازهای ایرانیست با این تفاوت که در آوازهای ایرانی وسعت صدا و تحریر به مراتب مشکل تر و مهمتر از آوازهای ایرانی است و اینکار از عهده هر خواننده ای بر نمیآید.

دومین نوع آواز در اوپرا رسیتاتیف Recitatif است، این آواز نوعی مکالمه و فن بیان بشمارست که معمولاً پیش از آوازهای «آریا» قرار میگیرد. آوازهای رسیتاتیف نیز بدون نوع Recitativo Secco رسیتاتیف ساده (خشک) و رسیتاتیف آکمپانیه Recitatif Accompagné تقسیم میشود که شرح آن ضرور بنظر نمیرسد.

علاوه بر آوازهای منفرد که خواننده در صحنه اوپرا بنهایی اجرا میکند، آوازهای دوفری، چندفری و دسته جمعی نیز در اوپرا وجود دارد که در صحنه های اوپرا بهمراهی ارکستر اجرا میشود. هر اوپرا مانند نمایش تئاتر از يك الی پنج پرده تشکیل میگردد که در فواصل پردهها قطعاتی توسط ارکستر نواخته میشود، این قطعات فصلی را «Interlude» یا «Entre Acte» نامند در اوپراهای فرانسه و ایتالیا غالباً برای «Interlude» صحنه های کوچکی از باله یا رقصهای سنگین میکنند که ضمن نمایش اجرا میشود و اسباب تنوع است.

نوعی دیگر از آوازهایی که در اوپرا اجرا میشود، لید نامدارد که مفهوم آن خواندن و انتخاب آوازهای شاعرانه و پراحساسات است که بیشتر مقبول طبع عامه میباشد. در زبان فارسی ما میتوانیم «ترانه» را معادل «لید» بکار ببریم، شوهرت آهنگساز معروف اطربشی در این رشته خیلی کار کرد و تقریباً همو بود که توانست آوازهای لید را بصورت یکی از ارکان مهم اوپرا درآورد و بعد از او نیز آهنگسازان بزرگی در رشته «لید» پیدا شدند که مهمترین آنان را میتوان «شومان» و «هوگولف» دانست.

«اوپرا» چگونه بوجود آمد؟

یونانیان قدیم در محافل ادبی اشعار خود را با آهنگ مخصوص و بهمراهی نی و «چنگ» میخواندند، مثلاً اشعار، گفته ها و تراژدیهای را که «اشیل» نوشته بود، در موقع نمایش با آهنگ مخصوص و همراه صدای چنگ یا نی میخواندند. کم کم آوازهای دسته جمعی همراه با رقص و ساز بمیان آمد و در این دوره بود که یونانیها جایگاههای بزرگ و مجللی ساختند و در آن نمایشهایی دادند که شبیه اوپرا بود. موسیقی و هنر نمایش و آواز کم کم تحولی در یونان بوجود آورد و خنیاگرانی پیدا شدند که شهرت جاودانی یافتند، حتی افسانه عشق و زندگی آنان نیز بصورت



خرابه‌های آمفی‌تئاتر رومیها (کولیزه) در رم . ارتفاع این آمفی‌تئاتر ۴۸ متر
از سطح زمین بوده است

داستانهای اساطیری هنوز هم زیبایی و شیرینی خود را از دست نداده است. داستان «ارفتوس خنیاگر» در اساطیر یونان طلاوت خاصی دارد «موتوردی» آهنگساز و مصنف او برای «ارفتوس» که بسال ۱۶۰۷ آنرا تصنیف کرده است، تحت تأثیر الهامات همین داستانهای اساطیری قرار گرفت و او برای معروف «ارفتوس» را نوشت .

از اسناد تاریخی که بدست آمده است یونانیها در حدود ۳۳۰ سال قبل از میلاد مسیح دارای تئاتر و اپرا بوده‌اند، خرابه‌های تئاتر «دیونی سوس» در آتن نشانه قطعی این ادعاست (تصویر شماره ۶) این خرابه‌ها از روی اصول فنی ساخته شده و در زمان معموریت بسیار جالب بوده است ، همچنین خرابه‌های آمفی‌تئاتری که اکنون در رم دیده میشود و مربوط بچهار صدسال پیش از میلاد مسیح است ، نشان میدهد که رومیها نیز (تصویر ۲) از هنر نمایش و اپرا و آواز بی بهره نبوده‌اند .

یونانیان قدیم در نمایش های خود عده‌ی خواننده و بازیگر داشتند که بآنان «Chorus کروس» میگفتند . (تصویر ۳) این عده در محلی که فیما بین صحنه و تماشاچیان بود قرار میگرفتند و جایی دسته کروس را «ارکسترا» Orchestra مینامیدند ، بعدها در قرن شانزدهم میلادی هنگامی که دسته‌ای از نوازندگان را در جلوی صحنه قرار میدادند ، بآنها ارکستر میگفتند ، در حقیقت «ارکسترا» که بمحل تجمع و استقرار دسته‌های کروس اطلاق میشد، کم کم بدسته ارکسترا اختصاص یافت و از آنروز تاکنون نیز بهمان نام باقیمانده است . گمان میرود که آواز کور (دسته جمعی) نیز از همین کلمه اشتقاق یافته باشد،

بهر حال وضع تأثر و موسیقی و اوپرا بهین طریق ادامه داشت تا در قرن پنجم میلادی درامهای مذهبی متداول گشت و بازیکنان و خوانندگان آنها اغلب رو نایون بودند، موضوع این درامها نیز روایات متون مذهبی و گاه جعلیاتی بود که کشیشان برای عوامفریبی ساخته بودند. بتدریج قسمتهای کمیک و تفریحی نیز با آنها علاوه شد و صحن نمایش نیز از داخل کلیساها، بخارج در مقابل در کلیسا یا صحن باغ کلیسا منتقل گشت. بعدها تقریباً در قرون سیزدهم و چهاردهم اینگونه نمایشها که صرفاً جنبه مذهبی داشت، حالت مستقلی بخود گرفت و از زیر نفوذ و کنترل کلیسا خارج شد، شاید بجرأت بتوان گفت که اولین اثر اوپرائی بسال ۱۲۸۵ در ناپل از طرف شخصی بنام «آدام دو هال» و بنام «بازی روبن و ماریون» اجرا شد. این اثر را میتوان تقریباً نوعی «اوپرا کمیک» دانست.

باینترتیب بنیان هنر تازه ای بنام اوپرا ریخته شد و همینطور جسته و گریخته کارهایی در این زمینه صورت میگرفت تا قرن شانزدهم میلادی فرارسید.

در آن اوقات در شهر فلورانس شخصی بنام «باردی» با کومک دوستانش برنامه‌هایی ترتیب داد و داستانهای اساطیری یونان را بصورت نمایشنامه و آواز درآورد، بعد از آنها «جاکوب پری» اولین نمایش اوپرائی مشهور خود را بنام «اریدیس» نوشت و بصحنه آورد حتی اثر او آنقدر جالب توجه بود که آنرا در حضور هانری چهارم پادشاه فرانسه و همسرش ماری دو مدیسی بمعرض تماشا گذارد. بعد از او موتووردی بود که «ارفتو» را ساخت. بتدریج سالنهای نمایش اوپرا نیز در شهرهای مختلف اروپا دائر میشد. در همین اوقاتست که اسکارلاتی سروصورتی بهتر اوپرا داد، در فرانسه نیز هنرمندانی نظیر «لولی»، «رامو» و «کلوک» بوجود آمدند و باوپرا رونق بخشیدند.

«پرسل» موسیقی دان معروف انگلیسی نیز اوپرائی بنام «دیدو و ادنیس» ساخت که از داستانهای اساطیری یونان الهام گرفته بود، در آلمان نیز موسیقی دانی بنام «تیله» اوپرائی بنام «آدم و حوا» ساخت، هندل نیز از آلمان بایتالیا و انگلستان رفت و بالاخره در وطن تانیش یعنی انگلستان اوپرای مذهبی (Oratorio) را بنیان گذارد. بعد از هندل، باخ، هایدن، مندلسون و چند نفر دیگر نیز اوپراهای مذهبی عالی ساخته‌اند. اما اولین سازندگان «اوپرا کمیک» در قرن هفدهم «گریتری» و «مون سی نی» فرانسوی بودند. اولین موسیقی دانی که توانست لطف و جذاییت موسیقی ایتالیائی را با عمق و قدرت روحی و جلال و حشمت آلمانی درهم آمیزد موزار بود، او در سن چهارده سالگی شروع باوپرا نویسی کرد و شاهکار هائی نظیر «عروسی فیکارو»، «دون ژوآن»، «فلوت سحرآمیز»، «دختر دزدی از قصر» را ساخت. بعد از او بتهوون اوپرای معروف «فیدلیو» را تصنیف کرد غیر از اینها در آلمان واگنر، وبر و «فرایشوتز» در رشته اوپرا کار کردند که مهمترین آنها واگنر بشمارست که اوپراهایش دارای احتشام، عظمت و ابهت خارق العاده است، اوپراهای معروف واگنر «نانهویزر»، «لوهنگرین»، «والکیری»، «تریستان و یزول» و غیره است.



آلات و ادوات موسیقی در دم قدیم (دستة کروس Chorus)

در ایتالیا نیز اشخاص برجسته در هنر «اوپرا» پیدا شدند که مهمترین آنها «روسینی» نامداشت، حتی هنر او برای ایتالیا آنقدر جالب و ظریف بود که مکتب مخصوصی را در اپرای جهان بوجود آورد. مهمترین اوپرا نویسان صد ساله اخیر عبارتند از: روسینی، بلینی، دونیزتی، وردی که ایتالیایی بودند، بوالدیو، می بربر، توماس، گونو، بیزه، لئودلیب، سن سانس، شارپاتیه و دبوسی که فرانسوی بودند و ریشارد اشتراوس که آلمانی بوده است. اوپرا نویسان روسی عبارتند از: چایکوسکی، روبنشتین، و موسورگسکی و از کشورهای اسکاندیناوی میتوان «گریگ» را نامبرد.

اوپرا و اوپرت در ایران :

با کمال تأسف هنوز از هنر اوپرا در ایران خبری نیست، گویا هنرهای زیبا مقدمات کار را از لحاظ محل اوپرا و هنرمندان آماده کرده است، ولی در این کار نواقص فراوانی فرا راه ماست که امید می رود کمابیش رفع گردد. ولی در حال حاضر در ایران نوعی از اوپرا که میتوان آنها را جزء اپراهای مذهبی یا «اوراتوریو» دانست اجرا میشود. همان تمزیه خوانیها که با لباس و دکور انجام میگردد، شبیه خوانیها و دسته گردانیها را میتوان جزئی از اوراتوریو دانست. اشعار این نوع اوراتوریوهای ایرانی که بیشتر از زمان صفویه پیغمبر معمول شده است، قصاید حزن انگیز و مرثیه های مذهبی میباشد، در سایر شقوق اوپرا موردی که قابل ذکر باشد نداریم اما بکوشش هنرهای زیبا اکنون ساختمان اوپرا در شرف انجام است، همچنین از چند سال قبل هنرمندانی که میتوان گفت پایه و اساس اوپرای آینده ما خواهند بود، بخارج اعزام شده اند و این عده در فنون و هنرهای مختلف اوپرا مایه اندوخته اند که مسلماً در اوپرای آینده ایران از وجود آنان بحد کمال استفاده خواهد شد.

ترجمه حسین لعل